



وایکینگ یک‌پا و بی‌دندون به دنبال فتح اسکار / اینجا پر از اژدهاست

فیلم انیمیشن «چگونه اژدهای خود را تربیت کنید 2» در حالی خود را برای بردن اسکار امسال آماده می‌کند که منتقدان قسمت دوم آن را همچون قسمت اول پسندیده‌اند.

فیلم انیمیشن «چگونه اژدهای خود را تربیت کنید 2» در حالی خود را برای بردن اسکار امسال آماده می‌کند که منتقدان قسمت دوم آن را همچون قسمت اول پسندیده‌اند.

خبرگزاری مهر - گروه هنر: این روزها ساخت ادامه‌ای بر یک فیلم موفق عادی شده، اما کمتر فیلمی است که موفق شود هم موفقیت قبلی را تکرار کند و هم از آن فراتر برود. قسمت دوم انیمیشن «چگونه اژدهای خود را تربیت کنید 2» یکی از اینهاست. این فیلم هم توانسته سوددهی قسمت اول را تکرار کند و هم از لحاظ ساخت و روایت تداوم داستان اول را به دنبال داشته و حتی آن را یک گام پیش برده است.

البته یک دلیل بارز برای این موفقیت وجود دارد و آن این که انیمیشن با اقتباس از یک مجموعه کتاب ساخته شده و نویسنده به خوبی تداوم داستان را در آن مجموعه حفظ کرده است.

دین دبلیوس نویسنده و کارگردان این فیلم نیز وقتی ساخت ادامه‌ای بر انیمیشن «چگونه اژدهای خود را تربیت کنید» محصول 2010 خود را پذیرفت از این موضوع آگاه بود و به همین دلیل تصمیم گرفت وجه جدی تر و تاریک تر داستان را گسترش دهد و بر آن تمرکز کند.

پیشینه انیمیشن

«چگونه اژدهای خود را تربیت کنید» در سال 2010 به عنوان یکی از 20 فیلم برتر سال از سوی کوئنتین تارانتینو انتخاب شد. آن فیلم به کارگردانی مشترک دین دبلیوس و کریس ساندرز، انیمیشنی جذاب و پرکشش بود که ایده‌های کاملاً بکر و تازه داشت. آن فیلم هر چند اسکار آن سال را به «داستان اسباب بازی 3» واگذار کرد، به دلیل ساختار شکنی و آشنایی‌زدایی و شیوه بیان بدیع با ایده‌های غریب و دور از ذهن تحسین شد.

«چگونه اژدهای خود را تربیت کنید» داستان نوجوانی به نام هیکاپ از وایکینگ هاست که کار قبیله شان جنگ با اژدها بود اما هیکاپ که نه بدنی قوی دارد و نه جنگجوست، و از قضا فرزند استویک رئیس قبیله هم هست، قرار است پیام‌آور صلح در قبیله‌اش باشد.

او بر حسب اتفاق، مخوف‌ترین اژدها را در دام می‌اندازد و کم‌کم با او طرح دوستی می‌ریزد. هیکاپ اسلحه را کنار می‌گذارد و با تماس دستش، پیام صلح و دوستی را به اژدها می‌دهد و اژدها هم این را درک می‌کند. بعد مشخص می‌شود همه خسارت‌هایی که این موجودات به شهر وایکینگ‌ها وارد می‌کنند به خاطر غول اصلی ست که اژدهاها را تهدید و وادار به این کار می‌کند و در نهایت این موجودات، دست در دست وایکینگ‌ها، غول اصلی را از بین می‌برند.

فیلم اول بر مبنای فیلمنامه ویلیام دیویس، دین دبلیوس و کریس ساندرز براساس رمانی از کریسیدا کاول به کارگردانی دین دبلیوس و کریس ساندرز ساخته شده بود.

«چگونه اژدهای خود را تربیت کنید 2» دنباله‌ای برای قسمت اول این انیمیشن است.

فیلم دوم

کارگردان این انیمیشن دین دبلیویس این فیلم را بر مبنای فیلمنامه‌ای از خودش و کرسیدا کاول ساخته است.

این فیلم 102 دقیقه‌ای، انیمیشنی سه بعدی کامپیوتری به سبک اکشن، فانتزی، کمدی است که دریم ورکز انیمیشن آن را تولید کرده و فاکس قرن بیستم توزیع کننده آن بوده است.

این فیلم که تابستان امسال اکران شد با بودجه ۱۴۵ میلیون دلاری ساخته شده است و انگار دریم ورکز از ابتدا بر این تمرکز کرده بود تا فیلمی بسازد که بتواند از مرز نیم میلیارد دلار فروش بگذرد.

دریم ورکز که سال ۱۹۹۴ تاسیس شد و یکی از بنیانگذارانش استون اسپیلبرگ است، خالق انیمیشن‌های موفق «شrek»، «ماداگاسکار»، «مربی اژدها» و «کونگ فو پاندا» است. ترکیب و تلفیق فرهنگی و ایجاد توازن و تعادل اسطوره‌ای از جمله خلاقیت‌های شرکت دریم ورکز به حساب می‌آید.

هر دو فیلم اژدها با اقتباس از مجموعه کتاب‌هایی به همین نام نوشته کرسیدا کاول ساخته شده‌اند و از همین حالا روشن است که این انیمیشن یک قسمت سومی هم دارد.

قصه از کجا شروع شد؟

در مدت پنج سالی که از وقایع فیلم اول گذشته، هیکاپ که زمانی نوجوانی عجیب بود، اکنون بزرگ شده و دیگر مرد جوان جذابی است که می‌تواند در برابر پدرش رئیس بزرگ وایکینگ‌ها ابراز نظر کند.

استویک همچنان رئیس این قبیله وایکینگ است و هیکاپ با حفظ شخصیتش علاقه‌ای به حکمرانی ندارد.

هیکاپ که در قسمت اول یک پایش را در نبرد با اژدهای بد از دست داده بود، حالا حيله ها و کارهای جدیدی آموخته و به تجهیزات جنگی جدید و هوشمندانه دست یافته که شامل یک لباس بالدار سفارشی، یک پای مصنوعی دوکاره، و از همه جالبتر یک شمشیر آتشی تلسکوپی است.

پنج سال پس از این که هیکاپ و بی‌دندون با موفقیت وایکینگ‌ها و اژدهایان را در جزیره برک با هم متحد کردند، اهالی جزیره همچنان با اژدهاها دوست هستند. سنت دیرینه وایکینگ‌ها در رفتار با اژدها تغییر پیدا کرده و حالا نه تنها اژدهاها در بین آنها جایگاهی به دست آورده اند بلکه دیگر حتی اصطبل مخصوص هم دارند و مردم برای تفریح در مسابقات اژدهاسواری با هم رقابت می‌کنند و به اکتشاف مکان‌های جدید می‌پردازند.

هیکاپ هم به دنبال تجربه اندوزی و در جستجوی هیجان، بیشتر دور از قبیله به سر می‌برد تا به جاهای فراتر از مرزهای نقشه خود سرکشی کند. هیکاپ در دنیا گشته و چیزهای زیادی دیده از جمله این که فهمیده گروهی به نام «شکارچیان اژدها» وجود دارد که رییس شان با نام دراگو دارد سپاهی از اژدهاها فراهم می‌کند. هیکاپ تصمیم می‌گیرد تا او را پیدا کند و گرچه پدرش با این نظر موافق نیست، اما او می‌خواهد اگر شده از طریق گفتگو دراگو را قانع کند که جلوی جنگ را بگیرد. اما اوضاع آنطور که هیکاپ فکر می‌کرد پیش نمی‌رود و شخصیتی به نام والکا که بعد معلوم می‌شود مادر اوست، برای او تله می‌گذارد. این ماجرا هیکاپ را در شرایط سختی قرار می‌دهد.

در یکی از سفرهای ماجراجویانه هیکاپ و دوستش آسترید، آنها با غار اسرارآمیز یخی روبه رو می‌شوند که خانه صدها اژدهای وحشی و اژدها سوارانی مرموز است. ناگهان آن‌ها خود را در کانون یک میدان نبرد می‌یابند. دوباره هیکاپ و بی‌دندان باید با هم متحد شوند تا هر کاری می‌توانند برای تغییر آینده اژدهاها و انسان‌ها انجام دهند.

پس از این ماجرا هیکاپ از دراگو رییس شکارچیان می‌گوید و پدرش را از احتمال حمله او مطلع می‌کند اما پس از مرگ تراژیک پدر، این هیکاپ است که باید مردم را متحد کند.

در نبرد با دراگو، او در مقطعی با تاثیر بر روح بی‌دندان، هیکاپ را شکست می‌دهد اما سرانجام این قدرت دوستی است که غلبه می‌کند و پایان داستان به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. هیکاپ پس از ترک اژدهایش به‌وسیله باله‌هایی که برای خودش ساخته در آسمان معلق می‌شود اما به علت ضعف و ناتوانی در کنترل خود با صخره‌های سنگی مواجه می‌شود و اینجاست که بی‌دندان بلافاصله وارد عمل می‌شود و از برخورد هیکاپ با صخره‌ها جلوگیری می‌کند. دراگو در نهایت شکست می‌خورد و آرزوی او برای تسلط کامل بر جهان از بین می‌رود.

انیمیشنی برای خانواده

این انیمیشن مضمون خانوادگی خود را حفظ کرده و در زمینه وفاداری، دوستی و خانواده نیز حرفی برای گفتن دارد. با این حال تم فیلم از نسخه اول تاریک تر است. نسخه اول انیمیشن فانتزی و ماجراجویی با تم شاد بود که مقداری رومانس نیز همراه داشت و صحنه های اکشن نیز تکمیل کننده می‌شد. ولی صحنه های اکشن فیلم دوم هر چند آنقدر نیست که مخاطب را دلزده کند، اما خیلی بیشتر از قسمت اول است. با این حال فیلم، فیلمی هیجان انگیز برای همه خانواده است و می‌تواند والدین را در کنار فرزندانشان، به دنبال خود بکشد. در عین حال میزان خشونت فیلم با توجه به داشتن صحنه های مرگ و جنگ، ممکن است برای خردسالان مقداری سنگین باشد.

جلوه‌های بصری انیمیشن

منتقدی در این باره می‌گوید: «چگونه اژدهای خود را تربیت کنید 2» از نظر بصری جالب است اما هیچ چیز پیشگامانه ای ارائه نمی‌کند. دبلویس در خلق یک دنیا خوب عمل کرده، گرچه بیشتر کارهای او حاصل کاشته های او در فیلم اول است. اژدها های فیلم خیلی کارتونی شده اند. نسخه سه بعدی انیمیشن خوب است اما ضروری نیست. مشکلی فنی در آن دیده نمی‌شود و در سطح خود خیلی خوب است اما ارزش پول اضافه پرداخت کردن را ندارد.

یکی از صحنه های جذاب فیلم مسابقه اژدهارانی است که به نوعی یادآور مسابقه کوییدیچ در مجموعه «هری پاتر» است. در واقع این فیلم نیز به نوعی مخاطبان همان فیلم را مورد توجه قرار داده است و با راندن اژدها در فضای بیکران آسمان و رقابت با یکدیگر همان حس و حال را ایجاد می‌کند. ضمن این که یادآور «آواتار» نیز هست.

زرق‌وبرق و تکنیک‌های به کار گرفته‌شده در پویانمایی که چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند از یک سو و محتوای عمیق و فلسفی آن از سوی دیگر به اثر غنای خاصی بخشیده است.

در هر حال به نظر می‌رسد رقابت اصلی اسکار امسال بین این فیلم و فیلم «لگو» باشد. هرچند انیمیشن های مدعی دیگری هم وجود دارند، اما بیشتر منتقدان این دو فیلم را رقبای اصلی امسال برای اسکار می‌دانند و البته شانس بیشتر را به «فیلم لگو» می‌دهند.

صدایشان فیلم

هیکاپ با صدای جی باروچل، پدرش استویک با صدای جرارد باتلر، دراگو با صدای دایمون هانسو، والکا با صدای کیت بلانشت، آسترید با صدای آمریکا فرارا، اسناتلوت با صدای جونا هیل همکلاسی هیکاپ، فیشلیگز با صدای کریستوفر مینتز-پلاس همکلاسی هیکاپ، تافنات با صدای تی. جی. میلر و خواهر دوقلویش رافنات با صدای کریستن وییگ، در این انیمیشن شکل گرفته اند.

شخصیت پردازی انیمیشن

در این قسمت در حالی که شخصیت های جدیدی به داستان افزوده شده اند، اما فیلم همچنان بر شخصیت هیکاپ متمرکز است و سعی در پرورش و گسترش شخصیت وی دارد.

موضوع مهمی که قسمت دوم به درستی بر آن تمرکز داشته، طراحی چهره شخصیت هاست. هیکاپ یا آسترید از لحاظ چهره و رفتار بزرگ و غنی شده اند و به مخاطب کمک می کنند تا با آنها احساس بزرگی کند و همذات پنداری را برای بیننده راحت تر می سازد.

شخصیت های فیلم در کنار داستان رشد کرده اند و شخصیت های جدیدی نیز معرفی می شوند که اِرت یک شکارچی اژدهای جذاب و خشن که سر راه هیکاپ و گروهش قرار می گیرد از جمله آنهاست. یک شخصیت منفی اصلی هم وجود دارد که دراگو بولدویست است. با این حال این شخصیت خیلی عمیق نیست و معلوم نیست اشتیاق مصرانه او برای فتح دنیا و تصرف آن، برای چیست. در هر حال او نقطه شر داستان است.

یکی از مهمترین شخصیت هایی که به مجموعه اضافه شده مادر هیکاپ به نام والکا است که در مبارزه هیکاپ در مقابل دراگو نقش مهمی ایفا می کند. ضمن این که رابطه پدر و مادر و نقش والدین در هدایت آنها و در کوران های زندگی یکی از ویژگی های مثبت این انیمیشن است.

در قسمت اول هیکاپ روشن ترین شخصیت مجموعه بود. او بود که به دیگران یاد داد بر پیش داوری های خود غلبه کنند اما در این قسمت او تقریباً همیشه در حال یادگیری است.

در این دنباله کارگردان به جای آن که شرایط از پیش تعیین شده ای را ایجاد کند و همانطور که بسیاری از دنباله ها انجام می دهند، سعی کند تغییرات را به مخاطب تحمیل کند، مدام گره ها و غافلگیری هایی ایجاد می کند که هم مخاطب و هم مجموعه باید به آن عادت کنند. چشمگیرترین این ها حضور والکاست.

دراگو تجسمی از شیطان ناب است که به سادگی نمی توان رفتارهایش را توجیه کرد، در تقابل با او والکا بخشنده ای است که به طبیعت احترام می گذارد.

روابط عاطفی هیکاپ و آسترید نیز انسانی و باورپذیر است و تداوم این رابطه در کل داستان و نیز افزوده شدن رابطه هیکاپ با مادرش، انیمیشن را از نظر احساسی فراتر از قسمت اول می برد.

موسیقی فیلم

ترکیب موسیقی حماسی با جلوه های تصویری در کنار محتوای عمیق در انتقال حس حال و هوای داستان به مخاطب بسیار کمک کننده ظاهر شده اند.

موسیقی فیلم دوم به همان اندازه موسیقی قبلی حماسی و شورانگیز است و زمان تغییر موسیقی بسیار دقیق بر مبنای موضوع هر سکانس تعیین شده است. در صحنه های اکشن، موسیقی حماسی و تاثیرگذاری صحنه را همراهی می کند و در صحنه های عاطفی، تمی کاملاً درام و لطیف، بر تاثیرگذار شدن روایت می افزاید.

موسیقی فیلم ساخته نوازنده مشهور، جان پاول است که برای اولین بار نامزد جایزه اسکار برای قسمت اول این فیلم شد.

فلسفه حاکم بر قصه

هیکاپ مقل پدرش نیست که مثل گذشتگان وایکینگ شان بلافاصله وارد نبرد شود. او روحیه ای صلح جویانه تر دارد و می خواهد همه مشکلات را با مذاکره و گفت و گو حل و فصل کند. با این حال او وقتی با دشمنی روبه رو می شود که می بیند نمی شود هیچ جور با او به توافق رسید، ایستادگی می کند.

اما با وجود همه جذابیت های داستانی و بصری، این انیمیشن را باید از زاویه دیگری نیز بررسی کرد و آن فلسفه ارایه شده در آن و جهان بینی است که خواه ناخواه با روایت قصه به مخاطب تلقین می شود.

شخصیت اصلی، مثبت و قهرمان داستان یعنی هیکاپ مدام در فکر یافتن سرزمین های جدید و الحاق آنها به سرزمین خود است. گرچه چنین تفکری در میان اقوام باستانی امری عادی بود و برای بقا تلاش می شد تا همسایگان را واداشت تا سر تسلیم فرود بیاورند، اما شاید انتخاب چنین مفهومی در دنیای امروز جدای از محملی که برای روایت قصه ضروری است، به نوعی به معنی موجه کردن نظام استعماری و سلطه گری و جهان گشایی باشد.

شاید بیان چنین داستان هایی به ویژه به صورت تکراری برای کودکان و نوجوانان، بذری از حقانیت کشورگشایی را بنشانند و گرچه نمی توان دل به تاثیرگذاری برای تداوم چنین حرکت هایی برای فردا داشت، حداقل بتواند توجیه گر حرکت های پیشینه کشورگشایانه غرب باشد.

در ورای دیالوگ های انیمیشن و در نبرد بین هیکاپ و دراگو حرف هایی رد و بدل می شود که به نظر می رسد تلاش دارند تا به نوعی به جهان امروز کنایه بزنند و حداقل به صورت غیرمستقیم از ضرورت رهبری جهان در برابر تمامیت خواهان بگویند. در اینجا هیکاپ دیگر فقط رهبر قومی وایکینگ نیست. ابعاد شخصیت او گسترش می یابد و او فردی می شود که باید قدرت جهان را در دست بگیرد و به این ترتیب هر چند شاید منظور مادرش در نصیحت او وقتی از جهان می گوید، منظور جهان کوچک همان قبیله وایکینگ باستانی باشد، اما جادوی کلمه جهان می تواند در ذهن مخاطب نوجوان، ابعاد وسیع و امروزی خود را هم به دست بیاورد و در پس ذهن او، آنگلوساکسون ها و غرب را رهبر محق و شایسته جهان بخواند.

با این حال باید توجه کرد که این انیمیشن بیشتر بر صلح تاکید دارد اما نه صلحی افراطی بلکه صلحی که از راه مبارزه با شر به دست می آید. به همین دلیل نمی توان این انیمیشن را به ترویج کاذب صلح با مقاصد سیاسی مرسوم در سینمای هالیوود،

متهم ساخت.

در این انیمیشن نیز نبرد خیر و شر وجود دارد و استثمار پدیده‌ای است که وجودش نفی نمی‌شود و در برابر موجود استثمارگر نباید ساکت نشست.

نظر منتقدان

جیمز براردینلی منتقد با دادن امتیاز ۳ از 4 به این انیمیشن نیز می‌نویسد: با وجود اینکه انیمیشن در بعضی قسمت‌ها فرعی می‌شود، اما در کل به نظر می‌رسد که یک کتاب داستان است که اصلاً برای به دست آوردن پول نیامده است. او می‌افزاید: «چگونه اژدهای خود را تربیت کنید 2» یک انیمیشن شایسته است اما بی‌نظیر نیست. لحظه‌ای در فیلم وجود ندارد که شما را شگفت زده کند.

وجه خانوادگی این فیلم نیز مورد تایید منتقدان واقع شده و منتقدی می‌نویسد: این فیلم به اندازه فیلم «لگو» خوب و شگفت‌انگیز نیست، اما از نظر المان‌های خانوادگی از سطح خوبی برخوردار است.

منتقد دیگری می‌نویسد: انیمیشنی که نزدیک به چند سال است مشابه‌اش را از جانب هیچ کمپانی ندیده‌ایم و می‌افزاید: این فیلم توانایی جذب یک خانواده را در همه طول فیلم دارد و می‌تواند کاری کند که حتی اشتیاق تماشا کردن آن را برای چندمین بار داشته باشید.

پیتر دیرو از ورایتی با دادن امتیاز ۹ از ۱۰ می‌نویسد: «اژدها» فیلمی شجاع‌تر از «شجاع» و بامزه‌تر از «بیخ زده» است و از نظر احساسی رضایت‌بخش‌تر از بسیاری از همتایان دیگر خود است.

وی می‌نویسد این فیلم به عنوان یک قاعده به شعور مخاطب احترام می‌گذارد.

منتقد دیگری در تحسین این انیمیشن نوشته است: اگر نیاز ما در اختراع باشد، خواست دریم ورکز برای ادامه مجموعه «اژدها» گروه خلاق را به قابل‌تحسین‌ترین جهات پیش‌رانده است و چیزی را به وجود آورده که می‌توان آن را مادر همه دنباله‌های انیمیشنی دانست.

گزارش از مازیار معتمدی